

بررسی رابطه بین انواع سبک‌های دلبستگی با دشواری روابط بین‌فردی در افراد با رگه‌های شخصیت خودشیفته

نیلوفر سپهرم^۱، طلیعه اسدالهی^{۲*}

(۱) دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(۲) گروه روانشناسی سلامت، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

*نویسنده مسئول: Zirambee@yahoo.com

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین انواع سبک‌های دلبستگی با دشواری روابط بین‌فردی در افراد با رگه‌های شخصیت خودشیفته انجام شد. نوع پژوهش توصیفی و روش آن نیز همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان شاغل به تحصیل در رشته روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ به تعداد ۱۰۶۳ نفر بود که از بین آن‌ها تعداد ۱۴۴ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد. برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه‌های شخصیت خودشیفته‌آموز و همکاران (۲۰۰۶)، سبک‌های دلبستگی کالینز و رید (۱۹۹۰) و دشواری روابط بین‌فردی بارخام و همکاران (۱۹۹۶) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آزمون استنباطی ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه و بوسیله نرم‌افزار SPSS26 تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن با دشواری روابط بین‌فردی همبستگی منفی معناداری وجود دارد ($P < 0/01$). بین سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با دشواری روابط بین‌فردی همبستگی مثبت معناداری وجود دارد ($P < 0/01$). با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که سبک‌های دلبستگی پیش‌بین مناسبی برای تعیین دشواری روابط بین‌فردی در دانشجویان می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: سبک دلبستگی، دشواری روابط بین‌فردی، شخصیت خودشیفته، دانشجویان

Examining the Relationship between Different Types of Attachment Styles and the Difficulty of Interpersonal Relationships in People with Narcissistic Personality Traits

Niloofar Spehrom¹, Talieh Asaolahi^{2*}

1. M.A. Student in Clinical Psychology, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Department of Health Psychology, Center Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Corresponding author: Zirambee@yahoo.com

Abstract

This research was conducted with the aim of investigating the relationship between types of attachment styles and the difficulty of interpersonal relationships in people with narcissistic personality traits. The type of descriptive research and its method was also correlational. The statistical population included all students studying psychology at Islamic Azad University, Tehran South Branch in the academic year of 2023-2024, in the number of 1063 people, of which 144 people were selected by purposive sampling. Ames et al's (2006) narcissistic personality questionnaire, Collins and Reed's (1990) attachment styles, and Barkham et al's (1996) interpersonal relationship difficulty questionnaires were used to collect the required data. The data were analyzed using the inferential test of Pearson's correlation coefficient and multiple regression and SPSS26 software. The results showed that there is a significant negative correlation between secure attachment style and the difficulty of interpersonal relationships ($P < 0.01$). There is a significant positive correlation between avoidant and ambivalent attachment style with the difficulty of interpersonal relationships ($P < 0.01$). According to the findings of the research, it can be concluded that attachment styles are a suitable predictor for determining the difficulty of interpersonal relationships in students.

Keywords: Attachment Style, Interpersonal Relationship Difficulty, Narcissistic Personality, Students

اختلالات شخصیت^۱ حالت‌های مزمنی هستند که نشانه‌های آن‌ها از دوران نوجوانی یا کودکی شروع می‌شود، انعطاف‌ناپذیر و دارای ثبات نسبی‌اند و در زندگی استمرار پیدا می‌کنند. آن‌ها الگوهای درون‌ذهنی و رفتاری بادوامی هستند که با ملاک‌های فرهنگی منطبق نیستند و موجب ناخشنودی فرد و مختل شدن کارکردهای وی می‌شوند (انجمن روانپزشکی آمریکا^۲، ۲۰۱۳). این طبقه از اختلالات موجب کاهش کیفیت زندگی و هزینه‌های بالای اجتماعی می‌شود. در بین اختلالات شخصیت، اختلال شخصیت خودشیفته^۳ به دلیل باقی ماندن در پنجمین نسخه راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی اهمیت تشخیصی و درمانی ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است و دارای نرخ شیوع بالای ۲۱ درصد در جمعیت بالینی و بین صفر تا ۶/۲ درصد جمعیت عمومی می‌باشد (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). رانینگستام^۴ (۲۰۱۶) شیوع این اختلال را به دلیل ماهیت مزمن، بیشتر از آنچه در پنجمین نسخه راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی آمده است برآورد کرده‌اند.

خودشیفتگی اختلالی است که به گرایش‌های نیاز به تحسین و تأیید مربوط می‌شود. هنگامی که فرد به دلیل رفتار انعطاف‌ناپذیر یا عدم نظم‌دهی در این گرایش‌ها به شکلی مؤثر و مفید شکست می‌خورد به پیامدهای روانشناختی منفی دچار می‌شود. خودشیفتگی بالا، موج افزایش پرخاشگری می‌گردد و روابط بین‌فردی را مختل می‌کند و با کاهش رضایت و کیفیت زندگی، احتمال آسیب به خود و اقدام به خودکشی همراه است (زیگلر-هیل و همکاران^۵، ۲۰۲۴). خودشیفتگی یا عشق ناسالم به خود، برای نخستین بار در نوشته‌های فروید مطرح شد. به عبارتی دیگر، هر فرد در طی زندگی خود تلاش می‌کند تا از خودشیفتگی بدوی و کودکانه که در ابتدای طیف تحولی قرار دارد و دارای ویژگی‌هایی همچون حسادت، تکبر، بهره‌کشی و احساس محق بودن است، به سمت ارزش خود سالم حرکت کند که در انتهای این طیف است (صبوری، ۱۳۹۵). خودشیفتگی با پیامدهای مثبت و منفی همراه است و برخی از پیامدهای مثبت آن شامل کاهش افسردگی، برون‌گرایی، خوشایندی اولیه و عملکرد بهتر در جمع است. از سوی دیگر، عطش توجه، اطمینان افراطی به خود، فقدان همدلی، پرخاشگری و سازگاری کمتر برخی از پیامدهای منفی خودشیفتگی را تشکیل می‌دهند (جباری قاضی جهانی، ۱۳۹۶).

رویکردهای علت‌شناختی اختلال‌های شخصیت به تدریج از تمرکز تقریباً انحصاری بر خصوصیات درون شخصیت به تأکید بیشتر بر تأثیر متغیرهای بین‌شخصی تغییر جهت داده‌اند. پژوهش‌های متعددی بر نقش اساسی رابطه مراقب کودک در شکل‌گیری شخصیت و نوع روابط آتی کودک در بزرگسالی تأکید فراوان کرده‌اند (خزاعی و همکاران، ۱۳۹۶). نظریه دلبستگی^۶ یکی از مدل‌های مناسب برای شناخت روش‌های سازش یافته و سازش نیافته‌ای است که افراد از طریق آن‌ها با چالش‌های تحولی

¹- Personality Disorders

²- American Psychiatric Association

³- Narcissistic Personality Disorder

⁴- Ronningstam

⁵- Zeigler-Hill & et al

⁶- Attachment Theory

متعدد زندگی مواجه می‌شوند (کامریانسی^۱، ۲۰۱۶). بالبی^۲ (۱۹۸۰) بر اساس مشاهده ویژگی‌های روابط مادر-کودک در موقعیت‌های مختلف به این نتیجه رسید که پیوندهای مادر (مراقب)-کودک مسئول تنظیم تجربه‌های عاطفی و رفتاری کودک هستند.

طبق نظر بالبی (۱۹۶۹)، نوزادان موقع تولد به یک نظام رفتاری و انگیزشی دارای مبنای زیستی مجهز هستند که برای تأمین مجاورت به مادر تکامل یافته است. این نظریه به تأثیر بر آورده شدن یا نشدن نیاز به امنیت در روان انسان توجه می‌کند و در نظریه مذکور تأثیرات روانشناختی آن از کودکی تا بزرگسالی بررسی می‌شود. اسمیت-نیلسن و همکاران^۳ (۲۰۱۶) در یک نمونه بالینی به این نتیجه رسیدند که سازمان روانی افراد طبقه شده به عنوان اختلالات شخصیت مشابه سازمان روانی سبک دلبستگی دوسوگرا است. سبک‌های دلبستگی^۴ به عنوان یک عامل تحولی در گرایش‌های شخصیتی و شکل‌گیری شخصیت، تعیین‌کننده‌ای مهم است و به عنوان یک عامل سبب‌شناسی در رشد مشکلات و اختلالات شخصیتی در نظر گرفته می‌شود. زیرا طبق مطالعات، بسیاری از رفتارهای انسان در کودکی شکل گرفته که دلبستگی نقش بسیار مهمی در این موضوع دارد و اگر دلبستگی به شیوه‌های ایمن برآورده شود، در آینده شاهد مشکلات و بروز ویژگی‌های ناسازگار شخصیتی کاهش خواهد یافت (فرنوش و همکاران، ۱۳۹۵).

یکی از مشکلاتی که افراد دارای اختلال شخصیت با آن درگیرند مشکلات بین‌فردی^۵ است. مشکلات بین‌فردی شامل الگوهای تکراری در روابط بین‌فردی است که ممکن است منجر به تعامل ناکارآمد از طریق راهبردهای مقابله و پاسخ‌های ناسازگار شود (درویش باصری و دشت بزرگی، ۲۰۱۷). مشکلات بین‌فردی، مشکلاتی هستند که در رابطه با دیگران تجربه می‌شوند و آشفتگی روانی ایجاد می‌کنند (کاشانکی و بشارت، ۱۳۹۷). مشکلاتی که در زمینه ارتباطات بین‌فردی تجربه می‌شوند و در فرد ایجاد آشفتگی روانی کند و یا با آشفتگی‌های روانی در ارتباط باشد به عنوان مشکلات بین‌فردی تعریف شده است (ذاکری و همکاران، ۱۳۹۷). ارتباط غیرمؤثر موجب فاصله بین‌فردی عمیقی می‌شود که در همه جنبه‌های زندگی تجربه می‌شوند. پیامد فروپاشی ارتباط در اغلب موارد تنهایی، مشکلات خانوادگی، عدم صلاحیت و نارضایتی شغلی، فشار روانی و بیماری جسمی و غیره خواهد بود (نجارزادگان و فرهادی، ۱۳۹۸). مشاهدات بالینی در مورد عملکرد بین‌فردی بیماران دارای اختلال شخصیت نشان داده است که این افراد تمایل دارند تا با دیگران به شیوه‌های غیرهمدلانه نزدیک شوند. این افراد به علت ناتوانی در شناخت و دادن پاسخ صحیح به موقعیت‌های هیجانی در ایجاد روابط اجتماعی صمیمی و سالم دشواری نشان می‌دهند (زعیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹).

1- Cameranesi

2- Bowlby

3- Smith-Nielsen & et al

4- Attachment Styles

5- Interpersonal Problems

بررسی نتایج مطالعات پیشین می‌تواند دانش جدیدی را در این زمینه ارائه دهد. در بخش مطالعات داخلی فرج‌پور نیری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی نتیجه گرفتند بین دلبستگی ایمن و تکانشگری و رابطه مثبت و بین دلبستگی نایمن اجتنابی، دوسوگرا، خوشیفتگی آسیب‌پذیر و بزرگ‌منش با تکانشگری رابطه منفی معنادار وجود دارد. حسین‌لو (۱۳۹۸) در پژوهشی دریافت سبک‌های دلبستگی نایمن و دوسوگرا با بروز ویژگی‌های شخصیت خودشیفته رابطه مثبت معنادار داشتند و سبک دلبستگی ایمن با بروز ویژگی‌های شخصیت خودشیفته رابطه منفی معنادار داشت. فشنگ‌چی (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان داد صفات شخصیت خودشیفته رابطه بین مؤلفه‌های دیگر جهت‌مندی، گوش به‌زنگی بیش از حد و بازداری و نیز محدودیت‌های مختل را میانجی‌گری می‌کند. مشکلات بین‌فردی رابطه بین مؤلفه‌های بریدگی و طرد، گوش به‌زنگی بیش از حد و بازداری، خودگردانی و عملکرد مختل و محدودیت‌های مختل را میانجی‌گری می‌کنند. زال‌پور (۱۳۹۵) در پژوهشی دریافت تفاوت معنادار بین گروه‌های دارای رگه‌های خودشیفتگی و فاقد رگه‌ها در مقیاس‌های پرخاشگری بدنی، خشم و خصومت و نیز همه خرده مقیاس‌های سیاهه مشکلات بین‌فردی به جز مقیاس فقدان جامعه‌پذیری بود. خانجانی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی نتیجه گرفتند رابطه بین سبک‌های دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا با اختلالات شخصیت خوشه A و C مثبت و معنادار بوده ولی سبک‌های دلبستگی با اختلالات خوشه B رابطه معنادار نداشته است.

در بخش مطالعات خارجی زیگلر-هیل و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی دریافتند تجربیات اولیه دوران کودکی با خودشیفتگی مرتبط است. همچنین سخت‌گیری و غیرقابل‌پیش‌بینی‌ناپذیری درک‌شده در دوران کودکی با خودشیفتگی عاملی، خودشیفتگی روان‌رنجور، و خودشیفتگی جمعی در مطالعات حاضر ارتباط نسبتاً ضعیف و متناقضی داشت. کافارل و شلبی^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی نشان دادند دشواری در توانایی تنظیم صحیح هیجانات، به عنوان متغیر میانجی در رابطه با خودشیفتگی و صفات آن با انجام رفتار تکانه‌ای از جمله پرخاشگری رابطه دارد. ژانگ و همکاران^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی نشان دادند خودشیفتگی آسیب‌پذیر و بازداری رفتاری بالا با شماری از صفات و حالات هیجانی منفی (مثل افسردگی، نگرانی، حس ناکارایی و شرم) مرتبط است. عاطفه منفی و بازداری اجتماعی تبیین‌گر رابطه خودشیفتگی با دشواری در تنظیم هیجان و کنترل تکانه همراه بوده است. کلی^۳ (۲۰۱۹) در پژوهشی نتیجه گرفت خودشیفتگی بزرگ‌منش با سبک دلبستگی نایمن اضطرابی رابطه معنادار داشته و بین خودشیفتگی بزرگ‌منش با سبک دلبستگی نایمن اجتنابی رابطه معناداری وجود نداشته است. والاس و بامیستر^۴ (۲۰۱۸) در پژوهشی نشان دادند خودشیفتگی آسیب‌پذیر رابطه منفی معناداری با مقیاس رفتاری تکانشگری دارد، که نشان دهنده همراه بودن آن با مواردی همچون اجتناب و بازداری اجتماعی است، که عمدتاً جهت حفظ ایگوی شکننده انجام می‌گیرد. منون و همکاران^۵ (۲۰۱۸) در پژوهشی نتیجه گرفتند در نوجوانان پسر دارای سطوح بالای عزت نفس، خودشیفتگی با داشتن سبک دلبستگی

¹- Caffarel & Shelby

²- Zhang & et al

³- Kealy

⁴- Wallace & Baumeister

⁵- Menon & et al

ناایمن اجتنابی به مادر و دوستان دارای ارتباط معنادار بوده است. دیکنسون و پینکاس^۱ (۲۰۱۳) در پژوهشی نشان دادند دلبستگی اجتنابی و ایمن بیشتر در افراد خودشیفته بزرگمنش و دلبستگی مضطرب- دوسوگرا بیشتر در افراد خودشیفته آسیب‌پذیر دیده می‌شود.

از ضرورت‌های انجام این پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد که داده‌های همه‌گیرشناسی اخیر بیان می‌کنند که شخصیت خودشیفته در بین جمعیت عمومی با نرخ شیوع ۶/۲ درصد در طول عمر نسبت به موارد بالینی بسیار شایع است و به علاوه در بین افراد جوان‌تر شامل طیف سنی ۲۰ تا ۳۰ ساله، ۹/۴ درصد شیوع را در طول عمر داراست (گانای- اوگ و همکاران^۲، ۲۰۲۳). مطالعات اولیه در زمینه خودشیفتگی، بر روی این مفهوم به عنوان یک اختلال شخصیت متمرکز بوده است، اما در حال حاضر خودشیفتگی هم به عنوان نوعی اختلال در سطح بالینی و هم به عنوان صفت شخصیتی در سطح غیربالینی مشاهده می‌شود (بیلتون و همکاران^۳، ۲۰۲۳). در این پژوهش اعتقاد بر این بود که حمایت اجتماعی و سلامت روان پیش‌بین مناسبی برای کاهش خود ناتوان‌سازی تحصیلی دانش‌آموزان باشد. از ضرورت‌های دیگر انجام چنین پژوهشی می‌توان به خلاء پژوهشی که در این زمینه وجود دارد اشاره نمود. به طوری که تاکنون به صورت همزمان تمامی متغیرهای پژوهش حاضر مورد مطالعه قرار نگرفته است. بنابراین پژوهش پیش‌رو با هدف تعیین رابطه بین انواع سبک دلبستگی با دشواری روابط بین‌فردی در افراد با رگه‌های اختلال شخصیت خودشیفته در دانشجویان انجام شد.

مواد و روش‌ها

این پژوهش از نوع توصیفی بود که به روش همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان شاغل به تحصیل در رشته روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ به تعداد ۱۰۶۳ نفر بود که از بین آن‌ها تعداد ۱۴۴ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد. برای انتخاب جمعیت نمونه به این صورت عمل شد که ابتدا پرسشنامه اختلال شخصیت خودشیفته آمز و همکاران (۲۰۰۶) در بین جامعه آماری توزیع شد. سپس تعداد ۱۴۴ نفر از دانشجویانی که نمره بالاتر از خط برش (۸/۵) را در این پرسشنامه کسب کرده بودند به صورت تصادفی به عنوان جمعیت نمونه در نظر گرفته شدند.

معیارهای ورود آزمودنی‌ها به مطالعه شامل؛ علاقه‌مند به همکاری در پژوهش، فاقد هرگونه بیماری جسمی و روانی، دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تحصیل در رشته روانشناسی بود. همچنین معیارهای خروج شامل؛ عدم علاقه‌مندی به همکاری در پژوهش و بی‌پاسخ گذاشتن حداقل ۵ درصد از سؤالات پرسشنامه‌ها بود. از سوی دیگر ملاحظات اخلاقی به شرح ذیل رعایت شد: (۱) پیش از شروع مطالعه، شرکت‌کنندگان از موضوع و روش اجرا مطالعه مطلع شدند. (۲) پژوهشگر متعهد شد تا از اطلاعات خصوصی و شخصی آزمودنی‌ها محافظت نماید. (۳) پژوهشگر متعهد شد نتایج پژوهش را در صورت تمایل

1- Dickinson & Pincus

2- Gunay-Oge & et al

3- Bliton & et al

آزمودنی‌ها، برای آن‌ها تفسیر نماید. ۴) در صورت مشاهده هرگونه ابهام، راهنمایی‌های لازم به آزمودنی‌ها ارائه شد. ۵) مشارکت در پژوهش هیچگونه بار مالی برای شرکت کنندگان بدنبال نداشت و ۶) این پژوهش با موازین فرهنگی آزمودنی‌ها و جامعه هیچگونه مغایرتی نداشت. برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه‌های شرح زیر استفاده شد:

پرسشنامه شخصیت خودشیفته: این پرسشنامه توسط آمز و همکاران (۲۰۰۶) ساخته شده و دارای ۱۶ گویه است. آزمودنی‌ها برای هر گویه انتخاب شده از ردیف الف یک امتیاز و برای هر گویه انتخاب شده از ردیف ب صفر امتیاز می‌گیرند. حداقل و حداکثر نمره کسب شده صفر و ۱۶ و نمره برش نیز ۸/۵ می‌باشد. آمز و همکاران (۲۰۰۶) روایی این ابزار را به روش تحلیل عاملی ۵۸ صدم و پایایی آن را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۷۴ صدم محاسبه کرده‌اند. از سوی دیگر حسین‌لو و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی پایایی این ابزار را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۸۲ صدم به دست آوردند. در این پژوهش هم پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ ۷۲ صدم محاسبه شد.

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی: این پرسشنامه توسط کالینز و رید (۱۹۹۰) ساخته شده و دارای ۱۸ گویه است. نمره گذاری این ابزار در طیف ۵ درجه ای لیکرت از صفر تا ۴ می‌باشد. حداقل و حداکثر نمره کسب شده صفر و ۷۲ و نمره برش نیز ۳۶ است. کالینز و رید (۱۹۹۰) روایی این ابزار را به روش تحلیل عاملی ۵۴ صدم و پایایی آن را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۷۱ صدم محاسبه کرده‌اند. از سوی دیگر دهقان و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی پایایی این ابزار را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۷۸ صدم به دست آوردند. در این پژوهش هم پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ ۸۱ صدم محاسبه شد.

پرسشنامه مشکلات بین‌فردی: این پرسشنامه توسط بارخام و همکاران (۱۹۹۶) ساخته شده و دارای ۳۲ سؤال است. نمره گذاری این ابزار در طیف ۵ درجه ای لیکرت از صفر تا ۴ می‌باشد. حداقل و حداکثر نمره کسب شده صفر و ۱۲۸ و نمره برش نیز ۶۴ است. بارخام و همکاران (۱۹۹۶) روایی این ابزار را به روش تحلیل عاملی ۵۶ صدم و پایایی آن را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۸۷ صدم محاسبه کرده‌اند. از سوی دیگر نجاریان و عبدی (۱۳۹۸) در پژوهشی پایایی این ابزار را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۸۲ صدم به دست آوردند. در این پژوهش هم پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ ۷۴ صدم محاسبه شد.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش توصیفی از میانگین و انحراف معیار و در بخش استنباطی ابتدا برای بررسی طبیعی بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف^۱ استفاده شد. از آنجایی که نتایج حاکی از نرمال بودن داده‌ها بود، برای سنجش فرضیه‌های پژوهش از آزمون‌های آمار استنباطی همبستگی پیرسون^۲ و رگرسیون چندگانه^۳ به کمک نرم‌افزار SPSS26 استفاده شد. همچنین سطح معناداری برای تمامی آزمون‌ها ۰/۰۵ لحاظ گردید.

1- Kolmogrov-Smirnov

2- Pearson

3- Multiple Regression

یافته‌ها

شرکت‌کنندگان این پژوهش را تعداد ۱۴۴ نفر از دانشجویان رشته روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب تشکیل دادند که میانگین سن آن‌ها $29/44 \pm 4/37$ سال بود. از سوی دیگر ۱۱۱ نفر (۷۷/۱۰ درصد) زن و ۳۳ نفر (۲۲/۹۰ درصد) مرد بودند. همچنین تعداد ۱۰۱ نفر (۷۰/۱۰ درصد) در مقطع کارشناسی و تعداد ۴۳ نفر (۲۹/۹ درصد) در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل می‌کردند. در جدول ۱ یافته‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش گزارش شده است.

جدول ۱- ماتریس همبستگی متغیرهای پیش‌بین و ملاک

متغیر	مشکلات روابط بین فردی	دلبستگی ایمن	دلبستگی اجتنابی	دلبستگی دوسوگرا
مشکلات روابط بین فردی	۱			
دلبستگی ایمن	**-.۰/۳۰۳	۱		
دلبستگی اجتنابی	**۰/۲۷۳	**-.۰/۵۰۲	۱	
دلبستگی دوسوگرا	**۰/۶۱۴	**-.۰/۴۱۱	**۰/۳۷۷	۱
میانگین	۷۲/۰۶	۱۵/۹۵	۶/۹۵	۷/۱۲
انحراف معیار	۵/۷۳	۲/۳۷	۲/۱۷	۲/۴۰
کجی	۱/۲۳۶	۰/۳۰۲	-۰/۸۲۳	-۰/۴۳۳
کشیدگی	-۰/۷۴۱	-۰/۶۶۹	-۱/۷۹۶	-۱/۱۶۳
کولموگروف- اسمیرنف	$p > ۰/۵۵۸$	$p > ۰/۱۶۹$	$p > ۰/۳۰۶$	$p > ۰/۲۶۶$

* $p < ۰/۰۵$ ، ** $p < ۰/۰۱$

در جدول ۱ نتایج ماتریس همبستگی نشان داد بین سبک دلبستگی ایمن با مشکلات روابط بین فردی همبستگی منفی معناداری وجود دارد ($P < ۰/۰۱$). همچنین بین سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با مشکلات روابط بین فردی همبستگی مثبت معناداری وجود دارد ($P < ۰/۰۱$). پیش از تحلیل داده‌ها با روش رگرسیون، مفروضه‌های آن بررسی شد. فرض نرمال بودن داده‌ها به دلیل قرار داشتن مقدار کجی و کشیدگی در دامنه $+۲$ تا -۲ برای همه متغیرها تأیید شد. از سوی دیگر برای بررسی وضعیت نرمالیت داده‌ها از آزمون کولموگروف- اسمیرنف استفاده شد. با توجه به معنادار نشدن این آزمون، فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها رد نشد ($p > ۰/۰۵$). همچنین مقدار عامل تورم واریانس برای پیش‌بینی مشکلات روابط بین فردی بر اساس سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا $۲/۴۴$ و میزان آزمون دوربین- واتسون هم $۲/۲۳$ بود. بنابراین با توجه به این که اگر مقدار عامل تورم واریانس کوچکتر از ۱۰ باشد، فرض هم‌خطی چندگانه رد و اگر مقدار آزمون دوربین- واتسون در دامنه $۱/۵$ تا $۲/۵$ باشد، فرض همبستگی باقیمانده رد می‌شود، بر همین اساس استفاده از تحلیل رگرسیون مجاز است. در جدول ۲ خلاصه مدل رگرسیونی سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در پیش‌بینی مشکلات روابط بین فردی ارائه شده است.

جدول ۲- مدل تحلیل رگرسیون

R	مجدور R	مجدور R تعدیل شده	F	Sig.
۰/۶۷۵	۰/۴۵۵	۰/۴۴۴	۳۹/۰۱۷	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج جدول ۲ متغیرهای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا ۰/۴۴۴ درصد از واریانس متغیر وابسته (مشکلات روابط بین‌فردی) را تبیین می‌کنند.

جدول ۳- نتایج ضرایب رگرسیونی برای پیش‌بینی خود ناتوان‌سازی تحصیلی بر اساس حمایت اجتماعی و سلامت روان

معناداری	ضرایب استاندارد		ضرایب غیراستاندارد		
	t	Beta	خطای استاندارد	B	
۰/۶۳۹	۰/۳۶۱	-	۴/۱۹۶	۴۲/۱۱۶	مقدار ثابت
۰/۰۱۹	۹/۳۳۳	۰/۷۲۳	۰/۰۵۳	۰/۱۳۲	سبک دلبستگی ایمن
۰/۰۰۹	۱۴/۷۹۵	۰/۵۱۶	۰/۰۷۴	۰/۰۹۸	سبک دلبستگی اجتنابی
۰/۰۰۸	۱۵/۴۳۱	۰/۶۳۳	۰/۰۹۱	۰/۱۸۶	سبک دلبستگی دوسوگرا

بر اساس نتایج جدول ۳ مقدار تی به‌دست آمده برای متغیر پیش‌بین سبک دلبستگی ایمن معنادار است که نشان می‌دهد این متغیر با ضریب بتای ۰/۷۲۳ نقش منفی معناداری در پیش‌بینی متغیر وابسته (مشکلات روابط بین‌فردی) دارد ($P < ۰/۰۵$). به عبارتی با افزایش نمره سبک دلبستگی ایمن، میزان مشکلات روابط بین‌فردی در آزمودنی‌ها کاهش پیدا می‌کند. همچنین مقدار تی به‌دست آمده برای متغیر پیش‌بین سبک دلبستگی اجتنابی معنادار است که نشان می‌دهد این متغیر با ضریب بتای ۰/۵۱۶ نقش مثبت معناداری در پیش‌بینی متغیر وابسته (مشکلات روابط بین‌فردی) دارد ($P < ۰/۰۵$). به بیان دیگر با افزایش نمره سبک دلبستگی اجتنابی، میزان مشکلات روابط بین‌فردی در آزمودنی‌ها افزایش پیدا می‌کند. از سوی دیگر مقدار تی به‌دست آمده برای متغیر پیش‌بین سبک دلبستگی دوسوگرا معنادار است که نشان می‌دهد این متغیر با ضریب بتای ۰/۶۳۳ نقش مثبت معناداری در پیش‌بینی متغیر وابسته (مشکلات روابط بین‌فردی) دارد ($P < ۰/۰۵$). به بیان دیگر با افزایش نمره سبک دلبستگی دوسوگرا، میزان مشکلات روابط بین‌فردی در آزمودنی‌ها افزایش پیدا می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین انواع سبک‌های دلبستگی با دشواری روابط بین‌فردی در افراد با رگه‌های شخصیت خودشیفته انجام شد. نتایج نشان داد بین سبک دلبستگی ایمن با مشکلات روابط بین‌فردی همبستگی منفی معناداری وجود دارد. این یافته در راستای پژوهش‌های حسین‌لو (۱۳۹۸)، دهقان و همکاران (۱۳۹۸) و دیکنسون و پینکاس (۲۰۱۳) قرار دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت دلبستگی ایمن دارای کنش حمایتی و نظم‌دهی به عواطف و پریشانی‌های شخص و راهی برای درک شیوه‌ای است که افراد هیجان را تجربه و نظم‌جویی می‌کنند. افراد با دلبستگی ایمن قادر به یکپارچه‌سازی منابع شناختی و عاطفی خود هستند تا به هیجان‌های خویش پاسخ‌های انطباقی و منعطفی ارائه دهند. در نتیجه این افراد با بهره‌گیری از این نظام تنظیم‌کننده عواطف و منابع شناختی و عاطفی ناشی از دلبستگی ایمن، در پاسخ به موقعیت‌های هیجانی بین‌فردی به استفاده منعطف و انطباقی از راهبردهای نظم‌جویی هیجانی سازگارانه و حل مسأله کارآمد اقدام می‌کنند. همین امر موجب کاهش مشکلات بین‌فردی و اجتماعی آنان می‌شود. افزون بر این، فرد دارای دلبستگی ایمن چون میزان مناسبی از دردسترس بودن و

پاسخگو بودن را تجربه می‌کند به یک الگوی فعال درونی باثبات از خود و دیگران دست می‌یابد. به همین دلیل موقعیت پیش آمده را بهتر می‌پذیرد، جهت‌گیری مثبت‌تری درباره آن دارد و با آن منطقی‌تر روبه‌رو می‌شود. این موارد به حل مسأله مطلوب‌تر در رویارویی با مشکلات بین‌فردی و سازگاری اجتماعی بیشتر در روابط بین‌فردی منجر می‌شود.

در بخش دیگری از پژوهش پیش‌رو نتایج نشان داد بین سبک دلبستگی اجتنابی با مشکلات روابط بین‌فردی همبستگی مثبت معناداری وجود دارد. این یافته در راستای پژوهش‌های فرچ‌پور نیری و همکاران (۱۴۰۰)، منون و همکاران (۲۰۱۸) و با نتایج پژوهش کلی (۲۰۱۹) ناهمسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت اجتنابگری، آرمانگرایی و اعتماد به خود جبرانی که از ویژگی‌های اصلی افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی است به آن‌ها این امکان را می‌دهد تا با کناره‌گیری از موقعیت‌های تعارضی در روابط بین‌فردی مشکلات را تجربه کنند. همچنین احساس خشم، ناامیدی، تهی بودن، عزت نفس پایین در هنگام برخورد با مشکلات بین‌فردی از تجارب رایج افراد با دلبستگی اجتنابی است که علاوه بر نقص در برقراری و تداوم روابط صمیمانه، پرخاشگری از دیگر ویژگی‌های آنان است. این افراد به دو دلیل ممکن است قادر به حل مشکلات بین‌فردی نباشند. نخست آن که بی‌تفاوتی نسبت به دیگران ممکن است موجب گردد تا به راحتی به دیگران آسیب وارد کنند و دوم آن که حساسیت بیش از حد به موقعیت‌هایی که تهدیدآمیز باشد آن‌ها را برمی‌انگیزاند تا با رفتار پرخاشگرانه، تسلط خود را در موقعیت‌های بین‌فردی حفظ نمایند.

نتایج دیگری که از این پژوهش حاصل شد نشانگر این بود که بین سبک دلبستگی دوسوگرا با مشکلات روابط بین‌فردی همبستگی مثبت معناداری وجود دارد. این یافته در راستای پژوهش‌های فرچ‌پور نیری و همکاران (۱۴۰۰) و خانجانی و همکاران (۱۳۹۱) قرار دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت یکی از ویژگی‌های اصلی افراد دارای دلبستگی دوسوگرا، تردید، تخصص، درماندگی، آشفتگی و تکانشوری است. این ویژگی‌ها آن‌ها را به شدت در معرض درگیری، تضاد، درماندگی و رفتار نابهنجار در موقعیت‌های تنش‌زا و روابط اجتماعی قرار می‌دهد. بدین ترتیب مشکلات بیشتر افراد دارای دلبستگی دوسوگرا در زمینه روابط بین‌فردی توجیه می‌شود. از سوی دیگر نظم‌جویی شناختی هیجانی ناسازگارانه به دلیل مرتبط بودن با حساسیت شدید بین‌فردی، پرخاشگری و رفتارهای خشونت‌آمیز می‌تواند زمینه‌ساز تنش‌ها و موقعیت‌های مشکل‌ساز بین‌فردی شود. همچنین چنانچه فرد در زمان بروز مشکلات بین‌فردی از راهبردهای حل مسأله ناکارآمد استفاده کند که شامل مواردی مانند سبک دلبستگی دوسوگرا است به احتمال بیشتری رفتارهای ناپخته تکانشی را بروز می‌دهد و در نتیجه درگیر افزایش مشکلات بین‌فردی می‌شود.

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که سبک‌های دلبستگی پیش‌بین مناسبی برای تعیین مشکلات روابط بین‌فردی در دانشجویان می‌باشد. محدودیت‌های این پژوهش بدین شرح بود. ابزار به‌کار رفته در این مطالعه پرسشنامه بود و افراد ممکن است به دلایل مختلف، واقعیت‌ها را منعکس نکنند. این تحقیق در بین دانشجویان رشته روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب انجام شد. استفاده هم‌زمان از سه نوع پرسشنامه باعث طولانی شدن مدت پاسخگویی و خستگی آن‌ها شد. به دلیل ماهیت مقطعی مطالعه، نمی‌توان نتیجه‌گیری این یافته‌ها را به همه دانشجویان تعمیم داد. پیشنهادهای مطالعه

حاضر بدین شرح می‌باشد؛ نظیر این پژوهش در بین دانشجویان سایر رشته‌های تحصیلی و در دیگر واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی انجام شود تا یافته‌های دقیق‌تری در این رابطه ارائه شود. برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، علاوه بر پرسشنامه از ابزارهای دیگری همچون مصاحبه استفاده گردد. مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی، روانشناسان و مدرسان دروس روانشناسی و روش تحقیق نتایج پژوهش حاضر را برای دانشجویان تفسیر و تبیین نمایند.

منابع

- جباری قاضی جهانی، حامد. (۱۳۹۶). مقایسه سوگیری توجه، انعطاف‌پذیری شناختی و کمال‌گرایی در بین مبتلایان به اختلال شخصیت خودشیفته و وسواسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران.
- حسین‌لو، زهرا. (۱۳۹۸). رابطه سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با بروز ویژگی‌های شخصیت خودشیفته در دانشجویان پزشکی دانشگاه‌های شهر تهران. *مجله مطالعات روانشناختی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء*، ۱۵(۳)، ۲-۵.
- خانجانی، زینب؛ حسینی نسب، سیدداوود؛ کاظمی، آمنه سادات و پناه علی، امیر. (۱۳۹۱). سبک‌های دلبستگی و اختلالات شخصیت: تحلیلی بر نقش نایمنی دلبستگی بر اختلالات شخصیت خوشه B و C. *نشریه مطالعات روانشناسی بالینی*، ۲(۷)، ۹۷-۱۱۹.
- خزاعی، سمانه؛ نوایی‌نژاد. شکوف؛ ولی‌الله، فرزاد و زهراکار، کیانوش. (۱۳۹۶). رابطه سبک‌های دلبستگی و پرخاشگری ارتباطی پنهان: با واسطه‌گری احساس شرم و گناه. *فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۱۴(۵۴)، ۱۵۵-۱۷۲.
- درویش باصر، لیلا و دشت‌بزرگی، زهرا. (۱۳۹۶). اثربخشی گروه درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد بر تنظیم شناختی هیجان و ناگویی هیجانی بیماران مبتلا به دیابت نوع دو. *نشریه روان پرستاری*، ۵(۱)، ۱۴-۷.
- دلاور، علی. (۱۴۰۱). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: انتشارات ویرایش.
- دهقان، مجتبی؛ حسینی، جعفر و شریفی، پریرسا. (۱۳۹۸). رابطه میان سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین فردی در افراد بزهکار: نقش واسطه‌ای نظم‌جویی شناختی هیجانی و حل مسأله اجتماعی. *مجله مطالعات روانشناختی*، ۱۵(۲)، ۷۸-۶۱.
- زال‌پور، خدیجه. (۱۳۹۵). مقایسه مشکلات بین‌فردی و پرخاشگری در دانشجویان دارای رگه‌های خودشیفتگی بیمارگون خود بزرگ‌بین، آسیب‌پذیر و افراد فاقد این رگه‌ها، *فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی*، ۶(۲۲)، ۶۸-۶۱.
- زعیم‌زاده، لیلا؛ لطفی، مژگان و امینی، مهدی. (۱۳۹۹). نقش کارکردهای شخصیت در پیش‌بینی مشکلات بین‌فردی و هیجانی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ۳۰(۱۹۰)، ۱۰۸-۹۷.
- ذاکری، فاطمه؛ صفاریان طوسی، محمدرضا و نجات، حمید. (۱۳۹۷). بررسی نقش تعدیل‌کننده خودشفقتی بر رابطه مشکلات بین‌فردی و دلزدگی زناشویی در زنان ناسازگار. *مجله روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*، ۹(۳۲)، ۹۶-۸۳.
- صبوری، نادیا. (۱۳۹۵). پیش‌بینی ملاک‌های همسرگزینی بر اساس نگرش به عشق و ویژگی‌های شخصیت خودشیفته و وابسته.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و فرهنگ تهران.

- فرح‌پور نیری، سپیده، زینب، احمدی و میکائیل، بخشش بروجنی. (۱۴۰۰). نقش میانجی خودشیفتگی آسیب‌پذیر و بزرگمنش در رابطه سبک‌های دلبستگی و تکانشگری در دانشجویان. *مجله توسعه پرستاری در سلامت*، ۱۲(۲)، ۵-۱.
- فرونش، فاضل؛ حسینانی، علی و بهرامی، مریم. (۱۳۹۵). میزان شیوع اختلالات شخصیت و رابطه آن با سبک‌های دلبستگی در مراجعان به کلینیک‌های روان‌شناختی شهر تهران. *فصلنامه تازه‌های علوم شناختی*، ۱۸(۲)، ۵۲-۴۲.
- فشنگچی، نیاز. (۱۳۹۷). نقش میانجیگر صفات شخصیت خودشیفته و مشکلات بین‌فردی در رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه در ورزشکاران. *مجله مطالعات روانشناسی ورزشی*، ۲۴(۱)، ۸۲-۶۳.
- کاشانکی، حامد و بشارت، محمدعلی. (۱۳۹۷). کیفیت روابط بین‌فردی بر اساس بخشش خود، بخشش دیگران و بخشش موقعیت‌ها. *فصلنامه علمی پژوهشی علوم روانشناختی*، ۱۷(۶۸)، ۴۱۷-۴۰۹.
- نچارزادگان، فاطمه و فرهادی، هادی. (۱۳۹۸). اثربخشی کیفیت زندگی درمانگری بر مهارت‌های ارتباطی، اعتیاد به فضای مجازی، رضایت زناشویی و خودتنظیمی هیجانی در زوجین. *مجله علوم روانشناختی*، ۸(۷۴)، ۲۵۶-۲۴۶.

American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual*. Washington, DC: American Psychiatric Publishing.

Beeney, J.E., Stepp, S.D., Hallquist, M.N., Ringwald, W.R., Wright, A.G., Lazarus, S.A., et al. (2019). Attachment styles, social behavior, and personality functioning in romantic relationships. *Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment*, 10(3), 275-289.

Bliton, C.F., Halberstadt, A.L., Asan, A.E., Pincus, A.L. (2023). Narcissistic personality disorder and pathological narcissism. *Encyclopedia of Mental Health*, (Third Edition), 573-582.

Caffarel, A.G., Shelby, E. (2020). *Vulnerable Narcissism, Difficulties in Emotion Regulation, and Relational Aggression in College Students*. Honors Theses. The University of Southern Mississippi; 2020.

Cameranesi, M. (2016). Battering typologies, attachment insecurity, and personality disorders: A comprehensive literature review. *Aggression and violent behavior*, 28, 29-46.

Dickinson, K.A., Pincus, A.L. (2013). Interpersonal analysis of grandiose and vulnerable narcissism. *Journal of Personality Disorders*, 17(3), 188-207.

Gunay-Oge, R., Oshio, A., Isikli, S. (2023). Culture and individualistic self-construal moderate the relationships between childhood experiences and narcissistic personality psychopathology level in adulthood. *Personality and Individual Differences*, 201, 111948.

Kealy, D. (2019). Narcissism and relational representations among psychiatric outpatients. *Journal of personality disorders*, 29(3), 393-407.

Menon, M., Moyes, H.C., Bradley, C.M. (2018). Interactive influences of narcissism and self-esteem on insecure attachment in early adolescence. *The Journal of Early Adolescence*, 38(7), 966-987.

Ronningstam, E. (2016). Pathological Narcissism and Narcissistic Personality Disorder: Recent Research and Clinical Implications. *Current Behavioral Neuroscience Reports*, 3(1), 34-

42.

- Smith-Nielsen, J., Tharner, A., Steele, H., Cordes, K., Mehlhase, H. and Vaever, M.S. (2016). Postpartum depression and infant-mother attachment security at one year: The impact of co-morbid maternal personality disorders. *Infant Behavior and Development*, 44,148-158.
- Wallace, V., Baumeister, R. (2018). Attachment theory and research applied to the conceptualization and treatment of pathological narcissism. *Clinical Social Work Journal*, 34, 45-60.
- Zeigler-Hill, V., Vonk, j., Barlow, C., Coon, E. (2024). The early life of Narcissus: The connections that childhood harshness and unpredictability have with narcissistic personality traits. *Personality and Individual Differences*, 221, 112571.
- Zhang, H., Wang, Z., You, X., Lü, W., Luo, Y. (2019). Associations between narcissism and emotion regulation difficulties: Respiratory sinus arrhythmia reactivity as a moderator. *Biological psychology*, 110, 1-11.